



کشاورزان و آب منطقه ای کردستان بر سر تعیین حریم رودخانه قشلاق اختلاف نظر دارند

دعوا بر بستر رودخانه قشلاق

[[]^{م]}**امیر حسین احمدی** حاج نادر با بغلی از سبزی‌هایی که از زمینش چیده به سمت بزهایش می‌رود که پسر برادرش، سراسیمه و نفس زنان با برگه‌ای از راه می‌رسد. «عموا! حکم تخلیه ما را هم از باغ ما ن‌دادند.» دست‌اناش شل می‌شود: برای چه؟

- زمین ما هم در حریم رودخانه است.

- بعد از این همه سال که خانه‌ونزدگی وزراعت ما اینجاست حالا الان یادشان افتاده که اینجا حریم رودخانه است؟

زمستان به نیمه راه رسیده است ودرختان گردودر میانه آن خفته‌اند. بی‌برگی وعریانی است که گردن افراخته‌تر و بلندتر به چشم‌ها نشان‌شان می‌دهد. اینجا باغ حاج نادر است در روستای آسوله از توابع سنندج. زمستان است اما روی زمین، سبزی رویده. سبزی‌هایی که حاج نادر آنها را می‌چیند وزیر بغل می‌زند تا برای سه چهار تابزو بی‌زغاله‌اش ببرد که دریاغ این طرف وآن طرف می‌روند. آفتاب زمستانی از میان آسمان رخت برمی‌بندد واز پشت تیغه‌های کوه‌های سنندج پایبین می‌رود اما نادر هشتادودو ساله بندکفشش، دستار سورش وشال کمرش را محکم‌تر بسته وکارهای باقی مانده زمین را انجام می‌دهد. اووبرادرش صاحب چهار هکتار زمین هستند. هر کدام‌شان دوهکتار، بخشی از زمین‌ها باغ است وبخش دیگر شخم خورده تا زراعت شود. زمین‌هایی که مرزشان حدود۷۵۰ متر بایسترو رودخانه قشلاق فاصله دارد. رودخانه‌ای که از میانه روستاهای سنندج و کامیاران می‌جوشد و می‌گذرد. «۴۰۰ سال است که پدر پشت پدر تا آخر عمر در این زمین و باغ جهد کردیم تا آباد شود. خانه‌ونزدگی وهمه داریی من و برادرم هم همین چهارپاره زمین است که عمرمان را گذاشتیم تا آبادیمانند.»

رودخانه قشلاق پر است از نی وعلف‌های بلندنی که سرعت آب را گرفته و حریم رودخانه را عرضی ترک کرده‌اند. تمام طول آن را از دو طرف سنگ بندگذاشته و دیوار کشیده‌اند. از روی زمین رودخانه نزدیک به دومتربا این تراست. حاشیه رود قلوه سنگ‌های کوچک و بزرگی هستند که یک قطره آب هم به آنها نخورده است. عرض رود به صدمتر می‌رسد عرضی که میان دودویاری کشیده شده در حاشیه رودخانه برمی‌داشت. همه هم این نسق‌های زراعی را کرده‌اند که «۱۰ متر آن طرف‌تر با بستر رودخانه زمین زراعی نباشد. از مرز رودخانه تا زمین ما به۱۵۰ متر می‌رسد اما باز هم می‌گویند زمین ما در بستر است و باید آن را تخلیه کنیم.»

وقتی مرز دیوار کشیده می‌شود چند دقیقه‌ای راه است تا باغ‌های کاکا و هم‌روستایی‌هایش پیدا شود. پسر برادرش می‌گوید: «در این باغ و زمین خانه و زندگی داریم و روی آن کار می‌کنیم. هر سال هم تولید می‌کنیم و به هر سازی که زده‌اند رقصیده‌ایم. قبل از اینها از طول رود جوی‌های سنتی می‌کشیدیم و بر اساس نسق زراعی که داشتیم، هر کس حق آب خود را از رودخانه برمی‌داشت. همه هم این نسق‌های زراعی را داریم وسند داریم که قبل از انقلاب تنظیم شده بود در هر کدام مشخص است که کدام زمین برای کیست اما حالا بستر رودخانه را بهانه کردند و همه مان را دادگاهی می‌کنند که زمین‌ها را یکی از دست‌مان بیرون بیاورند. حرف‌شان هم این است که رودخانه طغیان نمی‌کند و کشاورزان بستر آن را رعایت نکردند.»

نفسی چاق می‌کند و حرف‌هایش را از سر می‌گیرد: «اول نسل اندر نسل در این زمین‌ها کشاورزی کردیم واگر زمین‌هایمان در بستر رودخانه بوده چرا تا حالا کسی به آنها کاری نداشته. از طرف دیگر هم من هیچ وقت یاد ندارم که این رودخانه طغیان کرده و به زمین‌های ما رسیده باشد.»

حاج نادر و برادرش تنها کشاورزان حاشیه قشلاق نیستند که شرکت آب منطقه‌ای کردستان گریبان‌شان را گرفته و حکم داده که زمین‌های آنها در بستر رودخانه است و باید آن را ترک کنند. حالا چهار سال است که شرکت آب منطقه‌ای کردستان سراغ یک به یک روستاهای رود و به بهانه اینکه زمین یک کشاورز در بستر رودخانه است، آن‌را می‌ستاند. «حکم بعضی کشاورزان را از سال ۹۴ دادند که زمین‌تان در رودخانه است و باید خالی‌کنید.»

نکنه‌ای که محمد سعید احمدپناه، رئیس کمیسیون کشاورزی و آب اتاق بازرگانی کردستان درباره آن چنین می‌گوید: «مشاوروزارت نیرو با توجه به نرم افزارهایی که داشته یکسری حریم و بستر برای دو رودخانه گاژرود و قشلاق در نظر گرفته است. بر اساس محاسباتی که این وزارتخانه انجام داده، یکسری از اراضی که کشاورزان از قدیم الایام داشتند جزو حریم وبستر رودخانه در نظر گرفته شده است.»

تعیین بستر رودخانه‌ها به لحاظ حقوقی مشکل دارد

احمدپناه به این اشاره می‌کند که نحوه تعیین بستر رودخانه به لحاظ حقوقی مشکلات بسیاری دارد. «این تعیین بستر برای رودخانه در حالی انجام شد که کشاورزان در جریان آن نبودند. در واقع وزارت نیرو وظیفه داشت که از کشاورزان حاشیه این دو رودخانه بپرسد که آیا زمین‌هایشان سند دارد و زراعت‌شان به چه صورت است و چه



کشاورزان و آب منطقه ای کردستان بر سر تعیین حریم رودخانه قشلاق اختلاف نظر دارند

دعوا بر بستر رودخانه قشلاق

میزان آرزو در حق آب‌ه دارد، نه اینکه بی‌هیچ‌گفت‌وگویی بیابند میان‌گین دبی رودخانه را در نظر بگیرند و بی‌هیچ مشورتی بستر مشخص کنند. «رودخانه از سد قشلاق شروع می‌شود و در زمین‌های سنندج روستا به روستا را طی می‌کنند تا صدای آب، صدای زندگی را جاری‌کند. از سنندج که رد شود، به گریزه که برسد یا آسوله یا هر یک از ۲ روستای دیگری که در مسیرش قرار دارند، پراست از نی‌ها و گیاهان خودرویی که رها شده رشد می‌کنند و بالای می‌روند. این یعنی رودخانه سال‌هاست که لایروبی نشده و همین مساله پهنای حریمش را گسترده‌تر کرده است. مساله‌ای که احمدپناه هم به آن اشاره می‌کند و می‌گوید که کشاورزان نسبت به آن معترض هستند.»
باتوجه به اینکه لایروبی رودخانه‌ها بر اساس قانون توزیع عادلانه آب از شرح وظایف ذاتی وزارت نیرو است، اما وزارت نیرو در این مورد کاری نکرده است. اگر در یک رودخانه لایروبی نشود مسیر رودخانه ممکن است به نقاط دیگری سوق پیدا کند و از سوی دیگر عرض حریم را خود به خود افزایش می‌دهد و کشاورزان نسبت به این مساله معترض هستند چرا که اگر لایروبی انجام شود عرض بستر رودخانه کاهش پیدامی‌کند.»

رئیس کمیسیون کشاورزی و آب اتاق بازرگانی کردستان همچنین می‌گوید پیش از اینکه بحث تعیین بستر مطرح شود به برخی کشاورزان در همین نقطه که حالا بستر اعلام شده است مجوز شیلات یا گاوداری دادند و این کشاورزان هم قبلا استعمال‌ها و مجوزهای لازم را گرفتند اما امروز شرکت آب منطقه‌ای به آنها فشار می‌آورد که شما باید ای تخریب‌کنند یا تخلیه‌بیدون اینکه یک درصد خسارت به آنها بدهند.

بر اساس قانون، هیأت کارشناسی سه نفره و وجود دارد که اگر میان ذی‌نفعان یعنی کشاورزان و شرکت آب منطقه‌ای اختلافی پیش آمد، این هیات از منظر کارشناسی قضاوت کند. رئیس کمیسیون کشاورزی اتاق بازرگانی کردستان می‌گوید هر سه کارشناس منصوب مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای کردستان هستند و نمی‌توانند حقوق کشاورزان را در نظر بگیرند. هر چند خودشان بگویند اما ثابت شده که

وزارت نیرو را می‌گیرند.

بر اساس قانون، هیأت کارشناسی سه نفره و وجود دارد که اگر میان ذی‌نفعان یعنی کشاورزان و شرکت آب منطقه‌ای اختلافی پیش آمد، این هیات از منظر کارشناسی قضاوت کند. رئیس کمیسیون کشاورزی اتاق بازرگانی کردستان می‌گوید هر سه کارشناس منصوب مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای کردستان هستند و نمی‌توانند حقوق کشاورزان را در نظر بگیرند. هر چند خودشان بگویند اما ثابت شده که در قضاوت‌هایشان طرف‌وار است و باید آن را تخلیه کنیم.»

سعیدی پناه خبر از دادگاهی شدن و صدور حکم تخلیه علیه کشاورزان و باغدارانی می‌دهد که تنها خواسته آنها این است که از راه کشاورزی زندگی خود را به سر ببرند. «هر کدام از این کشاورزهایک عمر بر روی زمین‌های میراثی خود کار کردند، اما مشاور غیربومی می‌آید که هیچ چیز از منطقه نمی‌داند و داده‌هایی می‌دهد که فاقد روح تحلیل است. بدون اینکه در نظر بگیرد مسائل اجتماعی و اقتصادی استان چگونه است و شرکت آب منطقه‌ای کردستان با اخلاق بسیار ناپسند کشاورزان را دادگاهی می‌کند و حکم تخلیه زمین‌ها را از دست‌گاه قضای می‌گیرد.»
حرف احمدپناه در حالی است که عرفان مومن پور، معاون حفاظت و بهره‌برداری شرکت آب منطقه‌ای استان کردستان مدعی است که این شرکت سودای تصاحب زمین‌های کشاورزان را ندارد. «پس از آن‌که مطالعات درباره رودخانه‌ای تمام شود ما نتایج این مطالعات را در مطبوعات محلی استان کردستان منتشر می‌کنیم تا کشاورزها بداند مطالعات تمام شده است و اگر نظری دارند آن را ابزار کنند. اگر کشاورزان اسنادی را که مربوط به قبل از سال ۴۷ هستند، بیابند که در این اسناد اعم از عکس هوایی یا نسق‌های زراعی ثابت کند در زمینی که نقشه‌برداری شده است، اختلاف داشته‌اند، می‌توانند بروند کمیسیون ماده سه اسناد خود را(ایه دهند.»

باغ‌تان در بستر رودخانه است، نابودش کنید

کشاورزان و باغداران ۳۱ روستای کردستان که سال‌ها در کنار دو رودخانه قشلاق و گاژرود، زندگی را برای خود دو دیگران معنادر کرده‌اند هر کدام به نحوی با شرکت آب منطقه‌ای استان کردستان گریبان گیر شده‌اند. یکی از آنها باقر گل محمدی است. کاکا از وقتی که کودک بوده کنار پدرش باغداری کرده و ثمر دادن درختان گردو در روستای گریزه سنندج را دیده است.

حالا که دیگر یک پایش هم به زور چوب‌دستی همراهی می‌کند، هر روز که بخواهد از گریزه خارج شود یا به آن بازگردد، همان‌طور که تالب جاده مسیر را طی می‌کند، نگاهی به زمینی خشک می‌اندازد که تنها چاهی در وسط آن باقی مانده است؛ زمینی در میانه روستای گریزه که انگار تکه‌ای از آن روستا نیست، چراکه میان سرسبزی باغ‌های دیگر به کوبر خشکی شبیه شده است و تنها از روزگار باغداری کاکا درخت گردویی باقی مانده که بهانه بازی کودکان و دزدی کلاغ‌هاست. سال‌ها پیش جاده شوشه گریزه از میان باغ او رد شد و باغ گردو را به دو نصف تقسیم کرد، اما کاکا و پسرش هنوز تیمارگر تنه تنومند درختان گردو بودند. تا اینکه روزی نامه‌ای آمد که درختان گردو در بستر رودخانه هستند. باغ خانواده گل محمدی صد متری تا رود خانه فاصله دارد. رودخانه آرام، تودار و پراست از گل ولای و گون و گیاهان خودروی دیگر لب جاده گریزه، درست همان‌جایی که باغ حاج باقر مفقود

شده و از گردوهایش تنها تنه‌های درخت باقی مانده است. تابلو بزرگی روی زمین خاکی کوفته‌اند که روی آن نوشته شده است: محل احداث پارک تفریحی.

موهای یک‌دست سپید کاکا حکایت از عمری دارد که حاصلش ثمره درختان گردو بوده است. «به خاطر همین باغ ۶ ماه زندانی کشیدم. آمدند و گفتند باغت در بستر رودخانه است و باید آن را تخریب کنی. من هم گفتم این باغ از پدرم به من رسیده و از من به پسرم می‌رسد و بچگی و جوانی و پیری هر کدام از ما را به خود دیده است. تا بوده هم این رودخانه کنار باغ بوده درختان گردو را سیراب کرده است.»

به زمین خشکیده‌اش نگاه می‌کند. از آن نگاه‌هایی که پیری جهان‌دیده به گذر روزگار کند. نفسی می‌کشد و ادامه می‌دهد: «کاکا! خدا به سر شاهد است که آزار ما به هیچ‌کس نمی‌رسد. روزی که گفتند می‌خواهند بیابند و باغ را از بین ببرند، آمدیم و در باغ خوابیدیم. شب پلیس مرا با خودش برد کلانتری و دادگاهی ام کردند. جریم من این بود که می‌خواستم باغم را از بین نبرند.»

پسرش می‌گوید: «به ما گفتند باغ‌تان در بستر رودخانه است و به خاطر همین باید نابودش کنید، اما حالا که یک سال گذشت و آب‌ها از آسیاب افتاد، آمدند و در همین جایی که می‌گویند بستر رودخانه است، پارک احداث کردند که برای اهالی روستا سود داشته باشد. سودش برای ما این بود که پدر پیر من با پای لنگش ۶ ماه زندان رفت و بابت بقیه زندانش هم پول خرج کردیم، آن هم موقعی که دیگر باغی نبود که بخوایم گردوهایش را بفروشیم.»

با همه اینها، شرکت آب منطقه‌ای معتقد است کشاورزان در این سال‌ها زمین‌های زراعی خود را جلوتر آورده‌اند و به بستر رودخانه نزدیک شده‌اند. عرفان مومن پور، معاون حفاظت و بهره‌برداری شرکت آب منطقه‌ای استان کردستان درباره تعیین بستر دو رودخانه قشلاق و گاژرود کردستان از سوی شرکت آب منطقه‌ای کردستان می‌گوید: «در طول سالیان اخیر بستر دو رودخانه گاژرود و قشلاق مورد تعدی ناخواسته کشاورزان همچوار قرار گرفته است.»

او برای اثبات این اد‌عای خود چنین می‌گوید: «پیش از اینکه دو سد قشلاق و گاوشان بر دو رودخانه قشلاق و گاژرود احداث شود، مسیر و دبی طبیعی این دو رودخانه به‌صورت معمول طی می‌شد، اما بعد از احداث سد، آب این دو رودخانه تبدیل به آب تنظیمی شده است. این آب تنظیمی به صورت دوره‌ای ذخیره‌وازان هم برای مصرف شرب سنندج و هم مصرف شرب کرمانشاه انتفاع گرفته شده است. بنابراین میزان آب دو رودخانه از ۲۵ سال پیش تا امروز یعنی دوره‌ای که شرکت آب منطقه‌ای دبی رودخانه‌ها را بررسی کرده، هیچ‌وقت به میزان پیش از احداث سد برنگشته است؛ مگر اینکه سدها در مواردی مانند سیل ۹۸ کردستان، آورده‌های فراوانی داشته‌باشند که در نهایت آورد آنها سریز نشود.»

به گفته مومن پور، نبودن آب در رودخانه و کامل نشدن بستر بیست و پنج ساله باعث شده است دو رودخانه مذکور عرض کمتری برای بستر فعال داشته‌باشند، بنابراین بارها متوجه شدیم که کشاورزان همچوار به صورت ناخواسته زمین‌های کشاورزی خود را جلوتر بردند. در سیل ۹۸ استان کردستان میزان آب دو رودخانه قشلاق و گاژرود باز هم به میزان ۲۵ سال گذشته خود نرسید؛ اما یکسری زمین‌ها را فرآور گرفت.

صادق ندری، کشاورز دیگری است که با هر زحمتی که هست نمی‌خواهد دو هکتار زمین جو و یونجه‌اش را به بهانه اینکه در بستر رودخانه است از دستش دربیاورند. کاکا صادق خودش نماینده کشاورزان قشلاق است. می‌گوید: «۳۱ روستا با شرکت آب منطقه‌ای درگیر این مساله هستند؛ ۲۰ روستا در رودخانه قشلاق و ۱۱ روستا هم در گاژرود. جلساتی هم برگزار کردیم که با حضور نمایندگان شرکت آب منطقه‌ای کردستان و کشاورزان منطقه بوده و در این جلسات سه بند را مصوب کردند. یکی اینکه کشاورزان اگر اسناد معارف و نسق‌های زراعی خود را بیاورند، اسناد امور آب ابطال خواهد شد و بند دوم این است که زمین‌های کشاورزان دوباره بررسی شود و نقشه جدیدی رسم کنیم که می‌گویند بودجه نداریم. بند سوم هم این بوده است که دعای قضائی را که علیه کشاورزان کردند، پس بگیرند اما شرکت آب منطقه‌ای از این توافق نامه سرپیچی می‌کند و به نظرم از عمد نمی‌خواهند ببندهای مصوبه را(جرا کنند.)»

یونجه‌زار صادق خوراک‌گا‌های دامداری‌اش را تأمین می‌کند. زمین او هم میراث پدرش بوده است؛ میراثی که او معتقد است باعث شده هر روز به این دروآن درزند تا جزو و یونجه دولتی پیدا کند. «همه درد این است که این رودخانه را لایروبی نمی‌کنند. صدهزار مرتبه هم گفتیم و هیچ‌کس محلی به حرف‌مان نداده است. ما هم که خواسته زیادی نداریم، می‌گویند بودجه نداریم. بند سوم هم این بوده است که دعای قضائی را که علیه کشاورزان دیگر، ۱در مسیر قشلاق تکه‌ای با یکپزه و عاری است از هر گُون و گیاهی که در نقاط دیگر رود رویده است؛ تکه‌ای که پایین دست یکی از زمین‌های کشاورزی است و صادق با انگشت نشانش می‌دهد. «هر چه بگوئیم فایده ندارد، حتی گفتیم بخشی از پول لایروبی را خودمان می‌دهیم، اما انگار حرف‌مان را نمی‌شنوند، ولی کسی که پارتی داشته باشد، آب پایین دست زمینش را(لایروبی می‌کند.)»

این حرف صادق در حالی است که مومن پور، معاون بهره‌برداری شرکت آب منطقه‌ای کردستان معتقد است که بودجه کافی برای لایروبی رودخانه‌های کردستان وجود ندارد. «استان کردستان رو دخانه‌های بسیاری دارد، اما اعتبارات مالی بسیار ناچیزی داشته‌و دارد. هر کیلومتر لایروبی برای رودخانه حدود یک میلیارد تومان هزینه دارد. در حال حاضر، دوو نیم میلیارد تومان برای اینکه چند بازه کوچک در حدود چهار کیلومتر را لایروبی کنیم نیاز است و آن هم بازه شهری است که تبعات دارد. بنابراین امکان لایروبی تمام رودخانه‌ها وجود ندارد. اما این فضا فراهم است که اگر کشاورزان حوضه رودخانه قشلاق و گاژرود اعتراض دارند و اعتراض‌شان هم قابل شنیدن است، اعتراض خود را بگویند.»

درباره نسق زراعی، محمد سعید احمدپناه نیز می‌گوید: «جو بیارهایی از بستر رودخانه منشعب شده است که در گذشته وجود داشتند که بر اساس نسق‌های کشاورزان حق آب‌ه‌های آنان است. سال‌ها بی‌آفتاب آمده وبستر رودخانه را پر کرده و باعث شده رودخانه هنگام طغیان، زمین‌های اطراف را هم در برگیرد. شرکت آب منطقه‌ای از عکس‌های هوایی استفاده کرد و این اراضی را که دارای نسق‌های زراعی بودند به عنوان حریم رود خانه در نظر گرفت که مورد اختلاف کشاورزان واقع شد و این در حالی است که یکسری از اراضی را که بستند باز به عنوان اجاره بستر به خلق الله می‌دهند. کشاورزان می‌گویند چطور اراضی‌ما را ما گرفتند و بعد می‌دهند به افراد دیگر و این هم شده است مورد اختلاف میان کشاورزان که اگر شمامی خواهید بستر خالی بماند چطور دوباره اجاره می‌دهید.»
از نظر او تعریف حریم و بستر جای خود دارد و نماینده کشاورزان هم باید نظارت کند؛ حداقل از کشاورزان در این باره بپرسد، نه اینکه شرکت آب منطقه‌ای بیباید توسط دستگاه قضا کشاورزان را خلع بد کند و دوباره اجاره دهد به افرادی که از زمین کشاورزان کسب سود می‌کنند و اجاره بستر هم به حساب شرکت آب منطقه‌ای وزارت نیرو برود.

کشاورزان اجاره بستر بپردازند و زراعت کنند

مومن پور ا‌می‌گوید این گونه نیست که حق کشاورزان همیشه نادیده گرفته شده باشد؛ «این اتفاق پیش آمده است که کمیسیون ماده سه بستر رودخانه‌را به مال‌کیت فرد بخشیده است. اگر وزارت نیرو بخواهد، می‌تواند آن را از کشاورزان بخرد و اگر زمین به کشاورزان سپرده شود، باید ضوابط را رعایت کنند؛ برای مثال خانه‌ن‌زند و درخت نکازند ولی می‌توانند کشت یک ساله داشته‌باشند، بنابراین دنبال این نیستیم که خانه مردم را بگیریم بلکه دنبال این هستیم که اگر کمیسیون ماده سه زمین‌ها را به کشاورزان پس داد، کشاورزان با رعایت تمهیدات، بتوانند در قالب اجاره بستر روی زمین‌هایی که بستر رودخانه و در نتیجه اموال عمومی شناخته شده است، کشت یک ساله انجام دهند و اجاره بستر خود را بدهند. در واقع باید گفت بحث تعیین بستر آب هیچ‌هدفی جز این ندارد.» [[]^{م]}



خبرگزاری تسنیم

